

امام هاشم امام ابراهیم حبیب طاهر مادرش کنیزک مبارک تمسک بود بگفت

گویند: حبیب طاهر امام هاشم گفت در شب - اذنان - زینب روم کلغوم رفته

مادر این چهار فرزند معصوم و امام هاشم ام المومنین فدکته الله کما رحموا الله علیها

نیت خویله بود - اسامی از ویرم مطرب فدکته الکبری نیت خویله ام سلمه عاتقته سید الویر

حفظه نیت ام حبیبیه عقیقه زینب میمونه سوره در از فضل الهی

عبر نوشته و مادر سنان در عرف الدالی گفت باک در من خوانون نیت فیما بین

احمد رسول عرب معصوم نیت الوه محمد علی الله علیه وسلم - نامه فدکته الکبری

نیت خویله بنده ماه کعبه بر نیز او را فرود صای یافت در تن آخر شربت

نیت الفردوس در صل شدند عمر شرفش نیت نیت سال و لغول نیت سال

و بر در نیت بزرده سال و سه ده روز عمر لغول آن خیاب معصوم نوشته اند

پرونده در قد منور در رفته تقدس معلوم حوت سر در کاشیات او در ایجاد شرف نیت

ذکت و زکات الدور اهدم امام حسن امام حسین امام حسن امام حسین

امام عیون اذنان زینب الدیر زینب الدعوت در سید بود در گانه

نیت اندام سبانی جوان حضرت علی کم الله علیه نیت لفصل بیان شده اند

اول فاحمه زرا باز دانه باز شوره باز ساعده باز عاده باز حاصه

باز محمود باز حمیده باز کبریا باز کرمه باز حلیه باز عقیقه

۲
بدر او بود غیر مصیبتی در رشتن المسلمین این المهورین و نام حسن

بن علی رضی الله تعالی عنهم این نام ثانی است: از ائمه اثناعشر لقبش زکی گنفت
او ابو محمد علی علیه السلام پدرش علی مرتضی که ائمه جده ائمه فاطمه الزهرا را رضی الله عنها

تولدش روز شنبه پانزدهم رمضان سن اثنای هجری در مدینه منوره عمرش
سیع و در کتب سال نقش قاتلش الخزف الله - امانش ده سال و اسم حرم

آنوقت گویا گویانوی - اسما - جده نیند شیب شهادت روز شنبه سن ۱۹
ماه هجری سن ۲۹ و در کتب هجری که بزرگ الماس نزد ستمه حیده نیند شیب روز

عوز ده سال بعد پدر خود غمزه ماند مرقدش در حینت البقیع نبی المذنبه او پدرش
شاهزاده نیند زکوری و پنج وزات - زید بن حسن بن علی در کتب بود حسین و بود

زید و بود ناسم اسماعیل کجا ناسم در کتب بود محمد البغالی و او در غمزه نیند
در کتب مدینه و مشوهان و عرفی و عربی نقیم اند هم نغم علیه السلام اشهری که فرزند او

در استر آباد میباشند و اثبات در کتب خود نیند و بنو فضایل در کتب
از نسل او اند در کتب اسماعیل را کجا بود محمد او در کتب گفتند که او را در کتب

بود احمد و زید زید در کتب بود حسن و محمد
محمد امیر کبیرستان بود او در الدعوی الی الله گفتند که او را کبیر بود زید

در آنجا او محبتش و او را کبیر بود عبد الله فرزند او در ماوراء النهر
مقیم اند عبد الله در کتب شده شوق و نیت اند کبیر -

ای سید از جهان حقوت علی کرم الله وجهه یا خود یاد دار و آگاه باش - ذکر

نام المتقین ابوالمؤمنین حمید و مقدر علی الرضی کرم الله وجهه که علم بر کمال الله

علی الله علیه و آله وسلم و زوی حقول است و الذامیه ام عشره ام اول است

از اممه اثنا عشر امه ناکمه نیت بر دین هاشم بن عبد المذات ابو الوطالی

بن عبد الملک بن هاشم بن عبد المذات تولد سعید بن درهم سبت الله کسر درهم

۵۰ حب روز ادبیه کنیت شرفش از ابوالفضل و ابوتراب لقب سالیوش

رضی امامش سبت و نه سال - مدت عمرش شصت و سه سال ^{۶۳} نقش خاتم ^{۲۹} سال

شهادت نوزدهم ماه رمضان سن اربعین نبوت از دست علیه الصلوات ابن ملجم ^{۱۹}

خوردند در شب ادبیه نیت کیم ملامه لفرودس فرامیدند تا شرح وفات در فراد

شرح ل تاریخ وفات ابوتراب عیان ایمان آمده اند حساب اولاد ایمان ^{۲۰} سبت

ذکور و ذوات و نقول سبب است ذکر و ذوات الذکور المدغم امام حسن ^{۲۱} حسین ^{۲۲} زین

امام سبجی ^{۲۳} امام عسکری ^{۲۴} محمد حنفیه ^{۲۵} عمر الحراق ^{۲۶} عبید الشمار ^{۲۷} حنیف ^{۲۸} علیه السلام ^{۲۹} عثمان ^{۳۰}

محمد الصغیر ^{۳۱} عبید الله ^{۳۲} حمزه ^{۳۳} قاسم ^{۳۴} ادریس ^{۳۵} صالح ^{۳۶} مطهر ^{۳۷} الذوات

زینب کبری ^{۳۸} زینب کنوی ^{۳۹} زینب ^{۴۰} امام حسن ^{۴۱} رسیده ^{۴۲} زینب ^{۴۳} زینب ^{۴۴} عسکری

امیهالی ^{۴۵} ام اللولم ^{۴۶} ام حنیف ^{۴۷} امامه ^{۴۸} ام سلمه ^{۴۹} میمونیه ^{۵۰} هذکبه ^{۵۱} حنیف ^{۵۲}

اولاد حنیف حنیف علی کرم الله وجهه امام حسن ^{۵۳} امام حسین ^{۵۴} محمد حنفیه ^{۵۵} عثمان ^{۵۶}

از بیانی نامش
در تاریخ
۱۳۱۰
از بیانی نامش

قاسم	عبدالله	محمد	عبدالحق	زید	حسن	حسن	حسن
محمد	اسحاق	عبدالله	عقود	احمد	احمد	احمد	احمد
محمد	ابوبکر	ابوبکر	ابوبکر	ابوبکر	ابوبکر	ابوبکر	ابوبکر

ام سلمه حسن بنت ابراهیم محمد حسن الملقب

دارد حجت نقیای لهره ابی زید از نسل حقیقاند و نقیای لهره

از نسل داد و فرزندان حسن الملقب در هر دو پویه میباشد سولک

عین از فرزندان ابراهیم اند خدیجه مدت حدود سال خدیجه و کله بنام ابی ان بود آفرین

ابیان المقصد میرشت و نقیای شیراز در بستان دمشق و عراق و عرب

از نسل محمد میراد ابن حسین اند عبدالله الملقب در شش پسر بود موسی الحون

سلمان محمد ابراهیم محمد ادریس ابن ادریس در زمان کاروان نشد

عیالی در نوز خدیجه بود و فرزندان او ملوک عرب و عیالها اندیش بودند ملکه لهره

که در مغرب بود ملک الخیور نام درشت و او پسر ابراهیم بن محمد بن قاسم بن ادریس بود

و بیخوبی حب و عیال او نزدیک مدینه و مغرب میباشد و نسل ابراهیم در عراق و

خراسان است و سلمان در لهره بود محمد و او در لهره ابراهیم و ملک سلف بود

از ولایت بصره و نسل او در آنجا بقیم اند و موسی الحون در دو پسر بود عبدالله الشانی

و ابراهیم ابراهیم در لهره ابراهیم در لهره در لهره آن طایفه قرار دارد و ابراهیم در لهره

و تل نوزده تا بیستم اند و محمد زید و دیگر بود. حسین و علی بن حسین که اینها نیز در لیست
 مریدان او اند و از آنکه در لیست و چهار بودند و قاسم که این حسین بود و تل او در چهار رشت
 اهل انوش که ششمین طلوعین ابی که ششم ایرتله بود عظیم خواجه ششمین او ششمین بود و مردم
 سریت کندما و قاسم که ابو القاسم حضرت ابی ششم که درین عهد ابی ششم بن حسین بود
 و عضد الدین علی بن و علی بن زید که درین وقتها در کعبه اند از نسل علی بن ابی طالب اند و ایشان
 پس از ابی یحیی محمد بن ابی سعید حسن بن علی بن قناره بن ابی اسیر بن حکان بن علی بن محمد
 بن علی بن حسین بن سلمان بن علی بن ابی طالب بن محمد بن ابی طالب اند و فرزندان آن
 عظیم و عظیم نسل تاریخ فرزندان ششمین در تاریخ او در تاریخ هر آنجا می آید در لیست ابی ششم
 بیستم اند و مریدان ایشان و اینها مریدانند و در لیست مریدانند و اینها مریدانند
 بود و او در چهار رشت که در لیست و در لیست است و مریدان او در لیست و در لیست
 بیستم اند و حفیظ الدین او در فرزندان در عراق می آید و علی بن ابی طالب
 او در لیست حسن او در لیست ابی ششم که در لیست ابی ششم که در لیست ابی ششم
 علی بن ابی ششم و قاسم که بود اول که که از فرزندان ابی طالب حاکم مکه و مدینه در زمان
 خلفای نبی الحاکم رضی الله عنه شد او بود و علی بن ابی ششم که او در فرزندان
 در لیست کاسم و ششمین حسین می باشد و جمعه روز فرزندان در لیست و در لیست
 هزارت لیست او در لیست و او در لیست علی بن زید علی بن زید او در لیست او در لیست
 خیزد مگر فرزندان او در عراق و در لیست اند و بیستم او در لیست او در لیست
 فرزندان او در لیست در لیست او در لیست او در لیست او در لیست او در لیست او در لیست
 او در لیست او در لیست او در لیست او در لیست او در لیست او در لیست او در لیست او در لیست

کنیت مبارکش ابو محمد لقبش سجاد ولدش روز شنبه بود

آودینه و نیکو بکشید پنجم شبان سن شان و نهلثین بیگرکا در مدینه مغوده رمانش

در ربع و نهلثین سال و در دوم نفس فاشش تقی قابل التشر شهادش بزهر دادن

ولید بن عبد الملک مرور روز شنبه دوازدهم ماه محرم گویند سترقم منته سن

عش و التسعین عمر شرفش بیع و نهلثین سال مدنت مبارکش جنت استفتح

فی المدینه لفریب بجاوت ارحمن علیه الصلوه والسلام در یک بر وقت اولاد

و مبارکش با نزرده سن ذکور و زناث الذکور هم با ویر زید شهید مکرر کرده با بر کرد

نش او در محرم و شیراز مقیم اند ابو الحسن حنین الدین و اداری مدینه از ش

حسین الدین و اند عبد الرحمان سلیمان علی الذکور محمد الهجر

اموات فدیه اموات فاطمه علیه نسیمونه روم کلثوم اولاد حنین

امام باقر علیه السلام باقر عم الذکور زید الشهد حسین الذکور علی الذکور و دیگر عقیب

ندارند چون سال مبارکش نیزده سال سنید و بازم حویر صادق علیه السلام

منقولند ذکر امیرالمؤمنین امام محمد باقر علیه السلام و مع بیحمت از راه

الو و پیام زین العابدین آمنه روم علیه سنید روم علیه کنیت او ابو جعفر

لقبش باقر است محمد ولدش روز شنبه بقول سنید موم هجرت و قول

روز آودینه غره و حبس سن نفع و نهلثین مدینه رمانش تسع و نهلثین سال

و در راه و بیست و پنج روز نفس فاشش از نزلت ملاک هجرت شهادش

همه ذی الحجه سن اربع عشر و نهلثین سنه و نهلثین سنه بیع سنین ساک

مدنت مبارکش حیات النفع فی الموده لفریب در یک روم علیه السلام در

مدنت مبارکش حیات النفع فی الموده لفریب در یک روم علیه السلام در

نسخ علی ایضاً از تاریخ مدینه
سید زید شهید باقر علیه السلام

و شیراز و مدینه و مکه و کربلا و عراق و عجم و دیوار و حوزان مغم اند
 نقل تاریخ فخر الدین نیکنی امام مغم است از الله انشاء الله الامام محمد صادق
 رحمه الله میر برپه نیت منزه بود پیه لقب کاظم کنیت ابوالحسن ولادت روز یکشنبه
 هفتم صفر سن ثمان عشرین و مانه در روز نواله دوازده صفر سن در میان مکه و مدینه در مدینه
 امانت ثمان عشرین سال نه ماه نقض خاتم علی حدیث شادت بیت حادیم حسین
 سبع سیمین و مانه و نقول بعضی سن ثلث ثمانین و مانه در عید روز شنبه عید
 یزید مدین در نمای قریش در کربلا در عید فیس سال و نقول اهد عید سال یکماه و
 هفت روز اولاد اجداد و هفت تن ذکور و زانات الذکور علی رها زید

ابراهم عقیل زید در اورند النار گفتند که حینت مکه چون آمد به شده
 خانه عباسیان بوخت و سل زید در قیوان و محرف و شیراز میباشد ابراهیم قفا
 الله عنه جزا میگفتند و بعضی قضای میگفتند حینت مکه چون لبیدار کنیت و سید
 قاعی از سل ابراهیم رسد - حینت مکه کبیر بن حسین بن سید علی بن محی
 بن سید ثابت بن سید حاتم بن سید علی بن سید حسین بن سید مهدی بن
 سید ابوالقاسم بن سید محمد بن سید حسین بن سید ابراهیم المرعش بن امام موسی کاظم رها الله

- | | | | | | | | |
|---------|---------|--------|---------|------------|------------|------|------|
| مروان | حسن | حسین | عبدالله | اسماعیل | عبدالله | محمد | عبد |
| حجیر | یحیی | اسحاق | علیس | حمزه | عبد الرحمن | قاسم | حجیر |
| الدانات | ام فروه | ام شهر | علیه | فاطمه کبری | فاطمه زهرا | امعه | زینب |

ام فاسم حلیمه ام شهاب الصوی محمود امانه فدیجه جمیونه عصفیه

اولاد محفب امام کاظم علی قضا ابراهیم اصغر علی بن اسماعیل محمد عبیدالله عبیدالله

حسن محیضه اصغر اسحاق ابراهیم ابیر حسین زبیر کاروان اولاد تر محفب

احمد محیضه ابیر داود محمد سلیمان یحیی فضل علی عبدالرحمان فاسم

ذکر ابیر المؤمنین سلطان خراسان امام علی موسی رضا علی الله عنیه حرر در محلی قضا در لوزنج اند

ام ششم بنت از زلمه اشاعتر ابوه نام موسی اللطام امه یوننه ام ولده سوسه (والده

ام علی رضا کنیزک حمید بر بریه مادر امام کاظم بود لغتت که شیعیان حضرت ساطقت بناه

صلی الله علیه وسلم مادر امام کاظم در در فرزند فرمودند که ای حمیده این کنیزک را بر سر خود

بپوش تا زود که باشد از فرزند یوحنا آید که بهترین اهل زمین باشد و والده

ام علی رضا در تب سکتید که چون بیرقا حاله بود هرگز نقل عمل نیافتم و در خوزب از شکر عذ

آورد تسبیح و تحلیلی شنیدم وقتی که رضا تولد شد دستهای خود بر زمین نهاد و در

الحوق اسمان کرده لبهای مبارک میخاندید چنانچه ک منافات کند نقل گویشاه

کنت ابواکس لقبی رضا تولد در پنجمینه یا نهم ماه ذی القعدة سن ثمان اربعین

و ماهه هجری امانت اهدترین سال نفس خاتم انادلی الله مدته علم فیس پیش

سال شهادت بنزدادن مامون ملعون روز سینه غره هفترست تا نین و رتانی هجری

مقدور لورس شهید مقدس اولاد اجداد پنجمین ذکر و بکا ذات الذکور محمد نفی

اولاد حسن حسین حجت ابراهیم الزمان عالی ششم

اولاد محفید امام محمد تقی محمد حسن و محمد کا و علی مثل محفید ابیر اسم
 محفید ندارد. ذکر ابیر الموصوف امام محمد تقی رقی الله عنه امام نهم است از اولاد امام
 کتبت ابو محفید لقب حواد ابو امام علی رفا امه قدرک قولدر فرادینه نوزدم رمضان
 سن تسع ومانه بهجریکا در مدینه مسوره امامت ثمان عشر سال مدت علم فخرترین
 سال در ماه نقس فاتح المصنوعین لقب. شهادت زور سینه آفرینا مقده بهزاد
 محفید نام نقس سن مانع و عشرین و کوبه مانع و خمس عشرین بهجریکا فراد در مقابله قریش
 در خرید اولاد امجاد اللور علی نقی شاه سوکا سر قنده دم مرغه میگویند اولاد اللور
 فاطمه زهرا فرزند موسی در رهنوی گویند در رسم اند.

حضرت حمزوم جیانان از اولاد امام محمد تقی است چنانچه ایشان میدارند ~~حضرت حمزوم~~
 رتنام مردشد چنانچه حمزوم جیانان و در سید لکد کبیر و در سید عدیل الدین
 سرفه و در ابوالموید علی بن سید محفید بن سید محمد امد نجاریک بن سید علی بن سید علی
 بن سید در نقی اعظم بن سید محفید بن سید امام حواد محمد تقی رقی الله عنه صلوات الله
 سرفه در سرفزند بود کبیر سید لکد کبیر معوم سید بیبا و الدین بیوم سید محمد
 سید لکد کبیر در سرفزند بود کبیر محمدم جیانان معوم سید بیبا و الدین المستور
 سید لکد کبیر

اسامی چهارده معلوم با یک نیز برادر راشد اند و خود را رسیده و فخر میگویند کسوة
 فخر و ساداتی گفته در پیش بر وجه ایشان و نیز سجاده نشستن او در روز نیا شد ثواب بود
 اول معلوم سامی محمد ابراهیم بن حفص بن علی کرم الله وجهه نیز از امام حسن و امام حسین رضی الله عنهما که
 لقب او محمد طاهر است او در هفت ساگی شهید شده قیام او در تقویم است باز اسامی دوم
 معلوم محمد بن علی بن امام حسن رضی الله عنه او نیز در هفت ساگی از دست طلحه بن عمار شهید شده
 نیزش نیز در هفت صد سوم سامی معلوم محمد بن علی بن امام حسن رضی الله عنه که او در ده ساگی
 از دست از بن و مشقی شهید شده نیزش در کربلا باز سامی معلوم محمد قاسم بن
 بن امام حسن رضی الله عنه که او در سه ساگی از تشنگی شهید شده نیزش در کربلا باز سامی
 معلوم محمد بن بن امام زین العابدین است که او از دست منصور بن لعل نیز در شش ساگی شهید شده
 نیزش در شش ساگی باز سامی ششم معلوم محمد بن امام زین العابدین رضی الله عنه که او در
 نه ساگی از دست اعدای منصور مشقی شهید شده نیزش در شش ساگی باز سامی هفتم معلوم
 سید طاهر بن امام محمد صادق رضی الله عنه که او در ده ساگی از دست حلفه بن علی کوفی شهید شده
 نیزش در کربلا باز سامی هشتم یحیی بن امام محمد صادق که او از عقیان شهید شده نیزش
 در سنین است باز سامی نهم معلوم محمد صالح بن امام موسی کاظم که او در سه ساگی از دست
 بریغ مشقی بن ابراهیم شهید شده نیزش در شش ساگی باز سامی دهم معلوم محمد طیب بن
 امام موسی کاظم که او در هفت ساگی از دست بهمان مشقی شهید شده نیزش در شش ساگی باز
 سامی یازدهم معلوم امام محمد تقی رضی الله عنه که او در چهار ساگی از دست بریغ بن ابراهیم
 مشقی شهید شده نیزش در شش ساگی

ذکر در حوال نام ولایت رسول الله و در ازده امام شریف در قوم عموده الال از ایا آدم صلوات الله علیه

گونه غرقت بر یافت مشغول شدند - چون از عمر کرامی او نهصد و درازده سال گذشت
جهان را بدرود کرد -

والدش از او شش - چون شصت و شش ساله شد از او شش از عدم او بود اگر کردی را در کار برانند
که مادر او قدیمی تر از او شش آدمی بود و مادر خلعت استی پوشیده بود و او نیز در بروج است
منه در آنجا قدرت شد و اولی که درین دور اس فرزند اوئی نهاد او بود گویند شصت سال تمام
روزی که سر بر اقبال درت و بر درت بود و لغت نهصد پنجاه و شصت و عمال و بقول این
چون که نهصد و پنجاه سال و بقول قاضی بهقا و گاشته صد سال عمر یافت و او در فرزند بسیار شد
و قبر او در شهر نیر است -

والدش قیستان - قیستان از همه فرزندان او شش روشن فهمید و بسیار نیت و فزح و همه تر بود -
بعد نقل پدر با نظام مهام جهانیان مشغول گشت و بر شاره متابعت و اقتضای ایامی که
سنگ نمود محارت شهر بابل و شهر سوس از بنای او است ابرج بسیار کین و محارت
هم نسیب داد میدهند و در عهد او آدمی زاد بسیار شد بکار دانی همه منفرد گشت و بعد یار اولاد
شصت در حدود بابل افتاد فرمود نهصد و بیست و شش سال زندگانی کرد -

والدش مهله نیل - مهله نیل بهترین فرزندان قیستان بود چون عمرش به نهصد سال
رسید او در جای خود منده نشین گشت و او سیصد سال فرزند اوئی گیتی یافت عمرش نهصد
بیست و شش سال بود - بقول شصت سال و بقول شصت و پنج سال -

والدش هرود - هرود شصت و شش ساله بود و حکم پدر او نظام بخش جهان گشت
او در روزی که پدید آورد و نهصد و شصت و دو سال و بقول نهصد و شصت و هفتاد سال
عمر یافت و درین همه کرامی تر از او آن در زمان حیات آدم از عدم او بود آمده بودند

تا ببرد نعل مسند خلقت آدم تن تراز و التراب من الجنة والجنة من الزينة والزينة

من الاموال من النور والنور من الجواهر والجواهر من القدرة الله تعالى

حضرت ابوالشیر بابا آدم صغی الله علیه و السلام - کشته ابوالشیر یعنی آدم نام نوزاد گام

سنان آفت و که از آدم زینت پیدا شد عمرش هزار سال و در زمان تکمیل آدم میل ترازا

فرزند و فرزندان ده نام او هم سیده بودند و فرزندان جیل و نیت بودند و کینه ذکر است

بیت آفات شست علیه السلام از همه نزرگ بود در خارج الکلی نعل مسند که در نجات

او در سنان الفان افتاد بر که سرانوب که سرت قلب خنوبی در رقم شده در وقت گشت

و عهد بعد از او سبک و لغول صفت سال و سیزده نیمی پس از سه روز در نجات کرد

نشت علیه السلام که علیه رومی بود او در روز آدم رفت نعل مسند که نوع علیه السلام در زمان

کوفان ناریت ایشان در آورد و بعد از آن در کوه الوتیبیس و سیزده نیمی است المنفس

و تقوی در کف و نشت کرد

مهر آدم علیه السلام نشت بر زر نعت سخن گفتی و افضل از آن گفت علی است و سیزده نیمی از آدم و او

زار فرزند پیدا شد و سیزده نیمی دیگر می آید و آن نغم در او بود و فرزند شد

و دانش شیت علیه السلام و السلام -

از شرف فرزند آدم بود بد نیمی از خانه گسل و لادن با نشت آمده اند به نگاه خوا حد شتی

تو امان پیرما و دخترها آورد و کما شیت علیه السلام که او تنها زاد و آقلیا خواهر قابین و عقد

از دویم او در او چون بم آدم هزار سال سید او در روی عهد خود کرده نقل نمود بعد از آدم

نشام عالم در او سیرا که زین خود داشت و او در اول میخواستند و او را بزبان سرباطی

معلم یا شد و اکثر اوقات در دنیا شام اقامت میداشت و بسیار گما از اولاد او در

ولدش اختلاج و بعد از آن علی بن سلیمان میرزا یعنی بعد از کشتن آدم
متولد شد که در کودکی نرس اولاد رسنا - اما بزرگش در آنجا دیده شد و در آن
از همه بزرگ بود و بعد گفته اند که در وقت آدم صد ساله بود - و بزرگی آنست که
گفته اند علم اختر شناسی و نوشتن و ریاضت و باطنی و جنت او میرزا آورد و او را با نام
میگفتند و در نظر شناسی بنام او در نوح برهان گفت همه شهر آباد کرد و گویند زلف
آسمان زلفه عمرش هشتاد و شصت و پنج سال و بقول حدیث پنجم سال و بقول شصت و پنجم
ولدش مهوش شلیخ - مهوش نسلم ز فرزند کبیر شده - بعد از پدر بزرگ قوم شد - و خلق را به
بیزوران بستیمی راه نمود - چون عمر او به نهمصد سال رسید - او را بر یکا ملک نام شد و بعد تولد بر دست و نود

سال زینت

ولدش کبیر - کبیر در علوم و کسب و منقبت گجانه مظهر بود بعد پدرش در آنجا دیده شد و
دوت زندگانی او هفتصد و شصت و سه سال بود و در آنجا و کلمات و نوح نیز گویند
ولدش نوح علیه السلام - بعد وفات آدم علیه السلام و بیست و شش سال متولد شد و این آدم ثانی
فروزند چرا که همه صدیق نوح در طوفان شد و باز از او نسل ظهور آمد و نوح را از آنجا برد
گفتان او را نوحیند بگرد - یا قار در طوفان نوح شد و یافت سام و حام ملک شام و غیره در طوفان
و فارس و حریرات در یام داد - و دیار عرب و حبشه و هندوان و هنده از آنجا بودا در یام داد
و بیت و قلب و ترکستان به یافت داد و نوحی است که قوم با جوج و جوج از اولاد یافتین
قوم است و عمر او نیز از سال و شصت و سه سال در گذشتند و در آنجا از نوح دیگر نیز آمده اند گویند
که بعد از طوفان و بیست و نه سال و نوحی که در آنجا سال نیرلیت و نوحی که در آنجا بود و نام مادر
نوح فنوس و نوحی که نوحی است نیت نوح بود پدر و مادرش هم نوح و با نوحی که نوح بود

ولدش سام - سام در صد و پنجاه سال قیامش در هر پنج لیست و نوحی که
ولدش ارموشد - ارموشد در عمر هشتاد و سه سال قیامش در عرب بود

بزرگوار است که در این کتاب
از اولاد آدم علیه السلام
که در آنجا دیده شد
و در آنجا دیده شد
و در آنجا دیده شد

ولدش نافه - نافه در عمر همدو هفت سال بود قنبرش درین

ولدش مقوم - مقوم در عمر همدو پنجاه سال قنبرش درین

ولدش آرد - آرد اور ازین گفتند که بلغدا آور بود - چهارم او از ده و در ده میل سپید بود

ولدش آرد - آرد در عمر همدو سال قنبرش در عمر و بیست و چهار انان حسن الفنی و بیست و چهار فرخ

نوشتنی کذا فی لطیفات ما فرما - یعنی گویند او بن اود بن الیاس ابن سلمان بن ثابت

ولدش بدران - بدران ده پسر درشت

ولدش محمد - محمد چهار پسر درشت قنبرش در شام

ولدش نزار - نزار بر چهار پسر بود قنبرش در مکه -

ولدش مفر - مفر در دو پسر بود - عمرش همدو پنجاه سال قنبرش در شام

ولدش الیاس - الیاس در سه پسر بود عمر همدو بیست سال قنبرش در شام

ولدش مدرک - مدرک در دو پسر بود - عمرش همدو سال قنبرش در مکه و مکه

ولدش خزیمه - خزیمه در زمین یک پسر شد عمرش یکصد و بیست سال قنبرش در مکه

ولدش کنانه - کنانه پنج پسر داشت عمرش نود و پنجاه سال قنبرش در زمین

ولدش نصر - نصر در دو پسر بود عمرش یکصد و نه سال قنبرش در شام

ولدش ماکد - ماکد در زمین یک پسر بود عمرش هفتاد سال قنبرش در زمین

ولدش قهر - قهر در چهار پسر بود قنبرش در مکه رئیس و سالار عرب بود

ولدش غالب - غالب در دو پسر بود قنبرش در شام

ولدش لویکا - لویکا در بیست و یک پسر بود قنبرش در مکه

ولدش کویب - کویب در سه پسر بود قنبرش در مکه صورتش مثل حباب در اسل با و مکه میزند

ولدش مرقه - مرقه در سه پسر بود قنبرش در مکه صورتش لویکا در اسل با و مکه میزند

سن پنجاه و سه هجری بمکه در مدینه منوره - در آن ایام در سال فوج و لشکر فاطمه زهرا
 من انشای پشادت روز دوشنبه شهر ربیع گویند روز جمعه پنجم شوال سن یکصد و شصت و سه سال
 پرند در حین این پنج روز عمر شریف و پنج سال اولاد و معجزات و کرامات - نیا یون - ابو یونس

عنه الله علیه علی و ذریه آن ام فزده فاطمه زهرا
 و در آن سید محمد باقر - حضرت سید محمد باقر بن محمد باقر رحمة الله علیه سید محمد باقر علی سید فاطمه
 و در آن سید علی حارثی سید حسین علی و نیز علی علی نام فرزند داشت که چهار کرده از مدینه منوره رفت - فاطمه
 از اولاد سید حسین علی در علفی و مدینه منوره و در فرزند سید محمد باقر و از اولاد سید محمد باقر در سید
 سیمه و قیام البقیه و بنو طهار و بنو المرویس و بنو فاطمه سر سقیم اند از اولاد علی حارثی در لعین در شیراز

و نیز سقیم اند -
 و در آن سید محمد صالح سید محمد صالح روز جوان در شیراز آید سکونت نمودند تا پنج و
 شش و از آنجا بودند و در آن سید ابی طالب و در آن سید محمد علی و در آن سید ابی طالب و در آن
 سید محمد صادق و در آن سید ابی طالب و در آن سید حسین علی و در آن سید علی از شیراز در کاشمر آمده بودند
 اخبار کرده اند است در آنجا سکونت داشتند و در آن سید محمد علی و در آن سید فخر الله و در آن
 سید حسین الله و در آن سید علی و در آن سید علی و در آن سید محمد باقر و در آن سید محمد باقر
 و در آن سید محمد باقر - سید محمد باقر بن سید محمد باقر در دو فرزندش علی سید محمد باقر و سید محمد باقر

سید محمد باقر در ولایت کاشمر ماند و در آنجا در کرامات و معجزات و کرامات و کرامات و کرامات
 و در آن حایف دور که خلق الله مشهور است. اولاد و نژاد - و در آن سید محمد باقر و در آن سید محمد باقر
 که فرزند در موضع در کاشمر که پاره کرده از کاشمر در ملک نجاب منتقل شد سکونت گرفت
 و در آن سید محمد باقر سید محمد باقر در فرزندش سید محمد باقر و در آن سید محمد باقر و در آن سید محمد باقر
 و سکونت در ولایت کاشمر و در آن سید محمد باقر و در آن سید محمد باقر و در آن سید محمد باقر
 هر فاشه ملک نجاب در موضع در کاشمر که پاره کرده از کاشمر در کاشمر در کاشمر است سکونت
 که در وقت سید محمد باقر در کاشمر و در آن سید محمد باقر و در آن سید محمد باقر که منتقل شد در کاشمر است

خود سالی گذشت - بعد از آن خود در میدان لاله ایجا کرد و سرش بر پیشانی زخمی شد

در سید ریحان الدین در خیریه در میدان لاله ایجا کرد و سرش بر پیشانی زخمی شد
تا نقلی بود در سید علی و در این مدت در لاله رفتند و در منزل سلی یا سعادت لالی میت سرور کردند
یکایک و یکایک در خیریه از او شد که لاله سلی نام داشت

پدرش سید لاله نام دلاله العزیز در خیریه - عمرش بیش از سال اولادش بمقتل پسر و یکایک خیر

سید محمد زینت - سید محمد و سید باقر و سید شهاب هر چهار از یک مادر بودند و سید محمد در سن سید شهاب و در سن سید

و در سن نام از یک مادر بودند اولاد به هفت نوزادان در عهد لعل از رتجائی تا فتنه کتاب نوشته
شدت است بر این لوفی که اول صحنه نام از بزرگ هر سنگان کدور رقم نموده عمده لعل اولادش
هر سنگان رفعم کرده است -

سید محمد زینت در پنجم پسر و یکایک خیر شد - سید فرزند سید محمد سید لعل

سید محمد علی در خیریه نام عزت لالی در است - اول سید فرزند کدور با حب لالی میت

سکنه او صبی علی لور شد از او اولاد شد با رنگ با بنیت محمد شاه کدور گشت از خیر
زینت لالی شد دلاله رفت و دوم سید جنید شاه -

لیست اهل حق در حرم

بابا بدیع شاه بن سید محمد در شاه عمده رفت جو و فاشاه کی اولادش سے تعلق کفایت من
۱۹۲۶ میں اس فارسی شجرہ کی کاپی اپنے ہاتھوں سے تحریر کی ہے۔ اس کے نواسے
سید محمد اکرام ولد سید صیات سے حاصل ہوئی ہے۔ اصل تحریر انہی نواسوں کی ہے۔
تیسری ہے۔

کدور سید صیو حسن بن سید شرف حسین
پیش صغی از لاله و سید الرحمن شاه عمده
۲۰۰۹ / ۱۰ / ۱۵